

ساخت و ساز چگونه در راستای پاسخ به گرایش طبیعی و ذاتی ما عمل می‌نماید؟



انسان‌ها تمایل دارند در یک گروه بزرگتر از خود نظیر خانواده، طایفه و یا جامعه عضو شوند. اندکی به این مسأله فکر کنید، آیا هرگز اتفاق افتاده که از خود بپرسید «چرا من با بقیه تفاوت دارم؟»، «چگونه می‌توانم عضوی از آن گروه بشوم؟» و «چقدر عالی، آیا من نیز می‌توانم به شما ملحق شوم؟»

داشتن چنین تمایلات و گرایزی کاملاً طبیعی است و شما به طور قطع آخرین فردی نخواهید بود که چنین تفکراتی دارد. ما در پایان هر روز، سطوحی از رضایت و مورد قبول واقع شدن از طرف دیگران را در درون خود احساس می‌کنیم. هرچند برخی از افراد کمتر به این احساس توجه می‌کنند، اما بدون شک این مسأله برای همه ما اهمیت دارد.

بگذارید مثالی را با هم بررسی کنیم. شما و دوستانتان شبیه به هم هستید، اما برخی از علایق و سلیقه‌هایتان با یکدیگر متفاوت است. شما عاشق ساختن قفسه و کابینت هستید، اما دوستانتان از دوچرخه سواری لذت می‌برند، در این شرایط، شما احتمالاً کدام مورد را انجام خواهید داد؟ یکی دیگر از دوستانتان شما را به یک کارگاه کابینت سازی دعوت می‌نماید، پیشنهادی که برای شما بسیار جذاب به نظر می‌رسد. پس تصمیم می‌گیرید دعوت وی را قبول کرده و به آن کارگاه بروید؛ اما پس از رسیدن شما به آنجا، چه اتفاقی می‌افتد؟ از خودتان می‌پرسید «آیا این کار ارزش وقت گذاشتن را خواهد داشت؟»، «آیا افراد حاضر در آنجا مرا دوست خواهند داشت؟»، «آیا من از آنها خوشم خواهد آمد؟». تمام این سؤال‌ها رایج و کاملاً طبیعی است، با این حال برای اینکه مجاب شوید مجدداً به آن کارگاه بروید، این سؤالات بایستی پاسخی مثبت از جانب شما دریافت نمایند؛ اما آیا مسأله مربوط به ماهیت این سؤالات است؟ آیا مسأله مربوط به کابینت سازی است، یا در ارتباط با افرادی است که شما و علایق شما را مورد پذیرش قرار می‌دهند؟

از نظر من، مثال فوق نمایانگر تمایل ذاتی ما به عضو شدن در یک جامعه بزرگتر است. لازم نیست حتماً استاد یک دانشگاه باشید تا بتوانید این موضوع را درک نمایید. کافی است به افرادی که در پیرامونتان هستند دقیق‌تر نگاه کرده و رفتارشان را تحت نظر بگیرید. خیلی زود متوجه می‌شوید که چنین تمایلاتی به طور مکرر در زندگی ما ایجاد شده و در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

اما این سؤال همچنان مطرح است که چرا؟ چرا ما می‌خواهیم از جانب دیگران مورد پذیرش واقع شویم؟ چرا می‌خواهیم عضوی از یک خانواده، طایفه، گروه یا یک جامعه باشیم؟ Roy Baumeister یکی از استادان دانشگاه Florida State است که با همکاری Mark Leary، استاد دانشگاه Duke مقاله‌ای را تحت عنوان «نیاز به تعلق: تمایل به وابستگی‌های میان فردی یکی از گرایش و انگیزه‌های اساسی انسانی» منتشر نموده است.

این تئوری که چرا ما می‌خواهیم عضوی از یک گروه باشیم، به فرایند تکامل ما نسبت داده شده که شامل توسعه مراحل زیر می‌باشد:

- تقسیم و به اشتراک گذاشتن غذا
- محافظت از یکدیگر

- رقابت برای به دست آوردن منابع (که شامل غذا و پناهگاه است)

این مقاله نشان می‌دهد میان فعالیت‌های ادراکی و الگوهای رفتاری ما شامل نحوه پاسخ ما به مورد پذیرش قرار گرفتن از جانب دیگران رابطه‌ای وجود دارد. این محققان به روشنی بین کرده‌اند که ما میل به برقراری ارتباط (از جمله دوستی‌ها) با افرادی هستیم که تجربه‌های مشابه - خوب یا بد- با ما داشته‌اند. چکیده زیر این موضوع را به خوبی توضیح می‌دهد (صفحه ۴۹۹):

«نتیجه احتمالی این انتخاب تکاملی مجموعه‌ای از مکانیسم‌های درونی خواهد بود که فرد را به سمت گروه‌های اجتماعی و برقراری ارتباط‌های دراز مدت سوق می‌دهد. این مکانیسم‌ها احتمالاً موجب جهت‌گیری فرد به سمت دیگر افراد هم نوع خود، تحریک غرایز متمایل به احساس پریشانی و اندوه در صورت محروم ماندن از این ارتباط‌ها و روابط اجتماعی و غرایز متمایل به احساس رضایت و دریافت احساسات مثبت از برقراری ارتباطات اجتماعی می‌شود. این مکانیسم‌های اثر گذار یادگیری را با تقویت احساسات مثبت از برقراری روابط اجتماعی و عمل جاریم برای محروم ماندن از این روابط شبیه سازی می‌کنند».

پروژه‌های ساخت و ساز افقی چشم نواز به ارمغان می‌آورد



شاید بپرسید که همه این مطالب چه ارتباطی با ساخت و ساز دارد. بیا بید مطالبی را که اخیراً فرا گرفته‌ایم، باهم مرور کنیم. در صنعت ساخت و ساز، ما اغلب در یکی از بخش‌های مربوط به مناقصه، پروژه، طراحی، ساخت و یا مدیریت مشغول فعالیت هستیم. آیا تا کنون پیش آمده تمامی این مراحل را به تنهایی انجام دهید؟ گمان نمی‌کنم اینطور باشد. پس چرا به خودمان اجازه می‌دهیم در جنبه‌های مختلف پروژه‌های ساخت و ساز دخیل شویم؟ به طور حتم یکی از پاسخ‌های شما این است که «این کار من است»، اما من با قطعیت به شما می‌گویم که شما عاشق این هستید که در تحقق یک هدف مشترک نقشی ایفا کرده و در آن سهیم باشید.

کافی است به احساس رضایتی فکر کنید که به هنگام تکمیل یک پروژه در شما ایجاد می‌شود، وقتی تمام آنچه هدف گذاری شده بود انجام شده و شما به گذشته بر می‌گردید و به تمام سختی‌ها و مشکلاتی که با آن دست و پنجه نرم کرده‌اید، به تمام افرادی که در کنارشان کار کرده‌اید و به تمامی روابط اجتماعی که در طول ماه‌ها یا سال‌ها برقرار نموده‌اید، می‌اندیشید. این چالش نه تنها در رابطه با ساخت پروژه مطرح است، بلکه مربوط به داشتن یک تیم خوب برای کار کردن در کنار یکدیگر نیز می‌باشد. در حقیقت این کار نیاز ما را به مورد قبول واقع شدن از طرف یک گروه یا جامعه که علائق مشابهی با ما دارند، برطرف می‌نماید.

گاهی اوقات زمانی که صرف کار می‌کنیم، بیش از زمانی است که برای خانواده‌مان کنار می‌گذاریم و غرایز اجتماعی ما که می‌خواهیم ضمن کار آن را محقق سازیم، بر موفقیت پروژه ساخت و ساز فائق می‌آید. به مثال مربوط به کابینت سازی که در بخش قبلی این مطلب بدان اشاره شد فکر کنید - آیا شما تنها به این دلیل به کارگاه کابینت سازی رفته‌اید که این کار را دوست دارید؟ احتمالاً

پاسخ منفی است. شما به همکارانتان، مدیرانتان و مشاورانتان نگاه می‌کنید و از خود می‌پرسید: «آیا من واقعاً مناسب کار در این مکان هستم؟»، «آیا همکاران من هم شبیه من هستند؟». اگر پاسختان مثبت باشد، شما در کل خشنودتر از زمانی خواهید بود که پاسختان به این سؤال‌ها منفی است.

این همان چیزی است که ما را به سمت صنعت ساخت و ساز سوق می‌دهد و پروژه‌های ساخت و ساز این گونه در راستای پاسخگویی به غرایز طبیعی و ذاتی ما عمل می‌نمایند.